

To Study the Components of Defining Underwater Cultural Heritage in International Documents Regarding the 2001 UNESCO Convention

Mohammad Razavi Rad

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2020/09/25;

Accepted: 2020/11/30;

Published Online 2021/01/14

 10.30699/athar.41.1.44

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Mohammad Razavi Rad

Assistant Professor,
Department of Law, Faculty
of Humanities, Qaemshahr
Branch, Islamic Azad
University, Qaemshahr, Iran

Email:

mohammad_razavi_rad@yahoo.com

ABSTRACT

Although underwater cultural heritage is defined differently by various international documents, it is generally based on two criteria: the "temporal criterion" and the "nature criterion." Among these documents are the 1982 Convention on the Law of the Sea and the UNESCO Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage, adopted in 2001. The 1982 Convention did not provide a definition of underwater cultural heritage, but referred to it as "objects of an archaeological and historical nature". Such a description has many drawbacks and ambiguities and does not give a clear picture of this type of heritage. To fill this gap, the 2001 UNESCO Convention defines underwater cultural heritage as a combination of the "criterion of nature", which means having a cultural, historical or archaeological nature, and the "temporal criterion" of being underwater for 100 years. The main challenge with this definition is which of the two criteria takes precedence over the other. Although both criteria are equally important in the Convention, the standard of 100 years underwater seems to take precedence over the "standard of nature". Especially since some people believe that any object that has been underwater for 100 years has an archeological and historical nature in itself.

Keywords: Cultural property, Definition, 1982 United Nations Convention on the Law of the Sea, 2001 UNESCO Convention, Underwater cultural heritage, Temporal criterion, Nature criterion.

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Razavi Rad M. (2020). To Study the Components of Defining Underwater Cultural Heritage in International Documents Regarding the 2001 UNESCO Convention. *Athar*. 41 (1), 52-65

مقاله پژوهشی

نگاهی به مؤلفه‌های تعریف میراث فرهنگی زیر آب در اسناد بین‌المللی با تأکید بر رویکرد کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو

محمد رضوی راد

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵	اسناد بین‌المللی گرچه هر کدام به شیوه خاص خود میراث فرهنگی زیر آب را تعریف کرده‌اند، اما به طور کلی دو معیار را در این زمینه مینا قرار داده‌اند: «معیار زمانی» و «معیار ماهیتی». در میان این اسناد کنوانسیون‌های ۱۹۸۲ حقوق دریاها و ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. کنوانسیون ۱۹۸۲ تعریفی از میراث فرهنگی زیر آب ارائه نداد بلکه از این میراث تحت عنوان «اشیاء دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» نام برده است. چنین توصیفی دارای اشکالات و ابهامات بسیاری است و تصویر روشنی از این نوع میراث به دست نمی‌دهد. برای جبران این خلاء کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو تعریفی از میراث فرهنگی زیر آب ارائه داده است که تلفیقی از «معیار ماهیتی» یعنی دارا بودن ماهیت فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناختی و «معیار زمانی» یعنی ۱۰۰ سال در زیر آب بودن است. چالش اصلی در خصوص این تعریف آن است که کدام یک از این دو معیار نسبت به دیگری اولویت دارد. اگرچه در کنوانسیون مزبور هر دو معیار از اهمیت یکسانی برخوردار هستند، ولی به نظر می‌رسد که معیار ۱۰۰ سال در زیر آب بودن بر «معیار ماهیتی» اولویت داشته باشد. به خصوص آنکه عده‌ای معتقدند هر شیئی که ۱۰۰ سال در زیر آب باشد، به خودی خود دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی نیز هست.
نویسنده مسئول: محمد رضوی راد استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. پست الکترونیک: mohammad_razavi_rad@yahoo.com	کلیدواژه‌ها: اموال فرهنگی، تعریف، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو، میراث فرهنگی زیر آب، معیار زمانی، معیار ماهیتی
حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.	

رضوی راد محمد (۱۳۹۹). نگاهی به مؤلفه‌های تعریف میراث فرهنگی زیر آب در اسناد بین‌المللی با تأکید بر رویکرد کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو. فصلنامه علمی اثر. ۴۱ (۱)، ۵۲-۶۵.

مقدمه

متأسفانه با اینکه این سند به روشنی در خصوص میراث فرهنگی زیر آب است، اما در هیچ جای سند، تعریفی از آن ارائه نمی‌نماید و به جای آن از عبارت «اشیاء و محوطه‌های تاریخی» برای اشاره به آن در ضمیمه استفاده شده است. در بند دوم حداقل الزاماتی که در ضمیمه ذکر شده است، توصیه‌ای وجود دارد که می‌تواند تا حدودی بیانگر مفهوم «میراث فرهنگی زیر آب» از سوی تدوین‌کنندگان این سند باشد: «حفاظت باید شامل حال تمامی اشیائی باشد که بیش از ۱۰۰ سال در زیر آب بوده‌اند، با امکان حذف اختیاری اشیاء دارای اهمیت کمتر، زمانی که آن‌ها به درستی مورد مطالعه و ثبت قرار گرفتند و با امکان تحت پوشش قراردادن اشیاء تاریخی یا هنری مهمی که مربوط به سال‌های اخیر است».

در این توصیه نامه معیار زمانی ۱۰۰ سال برای تعیین میراث فرهنگی زیر آب استفاده شده است. ظاهراً انتخاب ۱۰۰ سال به عنوان معیار زمانی تحت تأثیر قوانین برخی دولت‌های اروپایی نظیر فنلاند، سوئد و نروژ بوده است.^۳ از آنجایی که معیار زمانی یاد شده (یعنی ۱۰۰ سال زیر آب بودن)، احتمالاً شامل همه اشیاء، متعلقات و بقایای انسانی کشتی و همچنین محموله‌های آن نیز می‌گردد، دارای اهمیت بسیار است، چرا که این اشیاء و متعلقات ممکن است در زمان‌های کاملاً متفاوتی ساخته شده باشند، اما تاریخ غرق شدن و نابودی آن‌ها باهم یکسان است.

۱-۲- پیش‌نویس‌های ۱۹۹۴ انجمن حقوق

بین‌الملل و ۱۹۹۸ یونسکو/دوآلوس

دو سندی که تأثیر به‌سزایی در تدوین مقررات کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو داشتند، یکی پیش‌نویس تهیه شده از سوی انجمن حقوق بین‌الملل در ۱۹۹۴ و دیگری پیش‌نویسی است که یونسکو در ۱۹۹۸ با همکاری «بخش امور اقیانوسی و حقوق دریاهای سازمان ملل متحد»^۱ تهیه کرده بود و مبنای بحث‌های دولت‌ها در رابطه با تصویب

در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب به‌طور کلی با دو دسته از اسناد بین‌المللی مواجه هستیم. دسته اول اسناد بین‌المللی هستند که به‌طور کلی از میراث فرهنگی (چه بر روی زمین و چه در زیر آب) حفاظت نموده و بنابر تعریف به‌طور تلویحی شامل حال میراث فرهنگی زیر آب هم می‌شوند. دسته دوم اسنادی هستند که به‌طور خاص به حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب اختصاص یافته‌اند و یا موادی از آنها به این موضوع پرداخته‌اند. به‌طور کلی اسناد بین‌المللی در این زمینه از مؤلفه‌های در این میان دو سند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند: کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای میراث فرهنگی زیر آب را تعریف نکرده و تنها از اصطلاح «اشیاء دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» استفاده کرده است و «کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب» (از این پس کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو) که تعریف نسبتاً جامعی در این خصوص ارائه کرده است.

نوشتار پیش‌رو در پی آن است که در وهله نخست با بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی و از رهگذر بررسی و تحلیل اسناد بین‌المللی مرتبط به این سوال پاسخ دهد که معیارهای زمانی و ماهیتی که میراث فرهنگی زیر آب بر مبنای آنها تعریف می‌شوند، دقیقاً واجد چه معنا و مفهومی هستند؟ در گام دوم به این موضوع خواهیم پرداخت که تعریفی که کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو ارائه نموده بر چه معیارهایی استوار است و این معیارها تا چه اندازه با مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای سازگار است؟

۱- معیار زمانی

۱-۱- توصیه‌نامه ۸۴۸ شورای اروپا مورخ ۱۹۷۸

اصطلاح «میراث فرهنگی زیر آب» برای نخستین بار در عنوان قطعنامه ۸۴۸ شورای اروپا مورخ ۱۹۷۸ به‌کار رفت. این توصیه‌نامه در خصوص حداقل الزاماتی است که دولت‌های عضو بایستی در قوانین خود در خصوص میراث مزبور رعایت نمایند.

1. United Nations Division of Ocean Affairs and Law of the Sea (DOALOS).

مذکور تعریف نشده است. بنابراین اشیایی که طبق بند ۱ ماده ۳۰۳ می‌بایست از سوی دولت‌های عضو کنوانسیون حفاظت و حمایت شوند، اشیایی هستند که «دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» هستند. صفت «باستان‌شناختی» در حقیقت بی‌معناست چراکه باستان‌شناختی یک فرایند است نه یک توصیف. اشیاء نمی‌توانند دارای ماهیت باستان‌شناختی باشند. به نظر می‌رسد مقصود تدوین‌کنندگان اشیایی بوده که ثابت گردد از منظر باستان‌شناختی برای بشریت واجد ارزش و اهمیت هستند. اما در خصوص صفت تاریخی، غیر از همان ایراد وارده به صفت باستان‌شناسی که به این صفت نیز وارد است، به معنای اشیایی است که به نوعی به تاریخ بشریت مربوط باشند. (O'Keefe, 2002: 17) سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا این صفت دربرگیرنده همه تاریخ زندگانی بشر است یا بخش‌های خاصی از آن؟ در خصوص تفسیر «اشیاء دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» دو شیوه متفاوت تفسیری وجود دارد: تفسیر مضیق و تفسیر موسع. در تفسیر مضیق این عبارت تنها در برگیرنده اشیایی است که متعلق به صدها سال قبل باشد. در همین راستا برنارد اُکسمن نایب رئیس هیئت نمایندگی ایالات متحد در سومین کنفرانس ملل متحد در خصوص حقوق دریاها در این خصوص گفته است: «این مقرر جهت اعمال بر اشیاء امروزی تدوین نشده است، هرچند که دارای ارزش تاریخی باشند. حفظ صفت «تاریخی» از سوی نمایندگان تونس مورد تأکید قرار گرفت، چرا که آن‌ها احساس می‌کردند وجود این صفت جهت شمول این مقرر نسبت به بقایای امپراطوری روم بی‌زانس ضروری است. بدین معنی که این اشیاء ممکن است از رهگذر برخی تفسیرهای ناشی از واژه «باستان‌شناختی» از شمول این مقرر خارج گردند». (Oxman, 1981: 241) در مقابل در

کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو قرار گرفت. پیش‌نویس اخیر از همان تعریف مندرج در ماده ۱ پیش‌نویس انجمن حقوق بین‌الملل بهره برده است. در هر دو سند میراث فرهنگی زیر آب به صورت موسع تعریف شده و طیف وسیعی از اقلام تاریخی و باستانی را در بر می‌گیرد.

طبق تعریف این پیش‌نویس‌ها میراث فرهنگی زیر آب به معنای تمامی نشانه‌های زیر آب زندگی انسانی همراه با محیط‌های پیرامونی باستان‌شناختی و طبیعی‌شان است.^۱ با این حال اعمال مقررات آن‌ها محدود به میراث فرهنگی زیر آبی شده که مفقود یا اعراض گشته و حداقل ۱۰۰ سال در زیر آب بوده باشند. اعراض از میراث فرهنگی زیر آب در واقع اشاره به فرضی است که بر اساس آن میراث فرهنگی زیر آب باید تحت شرایطی «اعراض شده»^۲ فرض گردد. این شرایط بدین قرار است که اگر فناوری اکتشاف میراث فرهنگی زیر آب را جهت تحقیق و بازایی ساخته شده، اما طی ۲۵ سال بعد از آن اکتشافی از سوی مالک صورت نگرفته باشد، آن میراث «اعراض شده» فرض می‌گردد. اما برعکس اگر فناوری هنوز به آن حد نرسیده باشد که اکتشاف این میراث را در اعماق دریاها ممکن نماید، در صورتی این میراث «اعراض شده» فرض می‌گردد که از آخرین ادعای منفعت قانونی مالک در خصوص میراث فرهنگی مربوطه، حداقل ۵۰ سال گذشته باشد.^۳ همچنین در این اسناد محافظت از میراثی که کمتر از ۱۰۰ سال در زیر آب بوده باشند، از سوی دولت‌های عضو نیز ممکن دانسته شده است.^۴

۲- معیار ماهیتی

۲-۱- کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز تعریفی از میراث فرهنگی زیر آب ارائه نداده است و تنها در مواد ۱۴۹ و ۳۰۳ از اصطلاح مبهم «اشیاء دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» نام می‌برد. این اصطلاح نیز متأسفانه در کنوانسیون

۳. شق الف و ب بند ۱ ماده ۲ پیش‌نویس های ۱۹۹۴ انجمن حقوق بین‌الملل و ۱۹۹۸ یونسکو/دوآلوس.

۴. بند ۱ ماده ۲ پیش‌نویس ۱۹۹۴ انجمن حقوق بین‌الملل و شق ب بند ۱ ماده ۱ پیش‌نویس ۱۹۹۸ یونسکو/دوآلوس.

۱. شق الف و ب بند ۱ ماده ۱ پیش‌نویس انجمن حقوق بین‌الملل و بند ۱ ماده ۱ پیش‌نویس یونسکو/دوآلوس.

2. Abandoned.

تفسیر موسع این امکان فراهم است که اشیاء نسبتاً جدید نیز مورد حفاظت و حمایت قرار گیرند.

به نظر می‌رسد در چارچوب مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ تفسیر موسع منطقی‌ترین تفسیر از عبارت یادشده باشد. هدف اساسی مواد ۳۰۳ و ۱۴۹ کنوانسیون در واقع حفاظت از میراث باستانی زیر آب در برابر خطرات ناشی از پیشرفت‌های اخیر فناوری‌های زیر آب است. وقتی اهمیت تاریخی یا باستان‌شناختی اشیاء فرهنگی زیر آب مورد تأیید قرار گرفت، غیرمنطقی خواهد بود اگر تنها اقلام بسیار قدیمی مورد حفاظت قرار گیرند. علاقه وافر جامعه بین‌المللی برای حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب و گرایش‌های اخیر در زمینه باستان‌شناسی دریایی جهت حفاظت حداکثری، تفسیری غایت‌نگرانه برای حفاظت از اشیاء نسبتاً جدید را ایجاد می‌نماید. چنین استنتاجی با مفاد اسناد حمایت‌کننده از اموال فرهنگی سازگار است. مطالعه این اسناد نشان می‌دهد که واژه‌های «باستان‌شناختی» و «تاریخی» محدود به اشیایی با قدمت صدها سال نبوده است. «کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو در خصوص اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی»^۱ و «کنوانسیون اروپایی در خصوص جرایم مرتبط با اموال فرهنگی ۱۹۸۵»^۲ محدوده زمانی ۱۰۰ ساله را تعیین نموده‌اند و همچنین «کنوانسیون ۱۹۷۶ سان‌سالوادور در خصوص میراث باستان‌شناختی، تاریخی و هنری ملت‌های آمریکایی»^۳ شامل اشیاء مربوط به قرن نوزدهم نیز می‌شود. وضعیت مشابهی نیز در خصوص اسناد غیرالزام‌آور وجود دارد به عنوان مثال می‌توان به توصیه نامه ۸۴۸ شورای اروپا اشاره نمود که اشیایی را پوشش می‌دهد که بیش از ۱۰۰ سال زیر آب بوده‌اند، با امکان مستثنی نمودن اختیاری اشیاء دارای اهمیت کمتر و همچنین تحت شمول قرار گرفتن اشیاء مهم تاریخی و هنری جدیدتر.^۴ در نهایت «نظامنامه شماره ۳۹۱۱/۹۲ شورای اروپایی مورخ ۹

دسامبر ۱۹۹۲ در خصوص صادرات اجناس فرهنگی»^۵ و «دستورالعمل شماره ۹۳/۷ شورای اروپایی مورخ ۱۵ مارس ۱۹۹۳ در خصوص بازگشت اشیاء فرهنگی که به صورت غیرقانونی از سرزمین یک دولت عضو برداشته شده است» بر «اشیاء باستانی دارای بیش از ۱۰۰ سال قدمت که حاصل حفاری‌ها یا یافته‌های زمینی یا زیر آب هستند» قابل اعمال خواهد بود. در خصوص قوانین داخلی دولت‌ها نیز گرچه رویه واحدی در این زمینه وجود ندارد اما در میان قوانینی که «معیار زمانی» را برای ارزیابی اشیاء تحت پوشش برگزیده‌اند، محدوده زمانی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال (به‌ویژه در میان قوانینی که به طور اختصاصی به بقایای زیر آب پرداخته‌اند) نسبتاً شایع‌تر است. (Strati, 1995: 179-180) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «عبارت اشیاء دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» محدود به اشیاء بسیار قدیمی نخواهد بود، بلکه می‌تواند دربرگیرنده اشیاء جدیدتر نیز باشد.

۲-۲- کنوانسیون اروپایی حفاظت از میراث باستانی (والتا ۱۹۹۲)^۶

این کنوانسیون در واقع نسخه بازنگری شده «کنوانسیون اروپایی حفاظت از میراث باستانی مورخ ۱۹۶۹» است. کنوانسیون مزبور هیچ اشاره صریحی به میراث فرهنگی زیر آب نداشت و تنها به صورت تلویحی شامل حال آن می‌شد. بعد از ناکامی کمیته وزیران شورای اروپا در تأیید «پیش نویس کنوانسیون اروپایی حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب مورخ ۱۹۸۵»، تصمیم بر آن شد که کنوانسیون اروپایی ۱۹۶۹ مورد بازنگری قرار گیرد تا موضوع حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب به صورت جدی‌تری مورد توجه قرار گیرد. کنوانسیون والتا در خصوص حفاظت از میراث باستانی به طور کلی است که شامل حال میراث فرهنگی زیر آب نیز می‌گردد. روشی که این کنوانسیون برای تعریف «میراث باستانی» استفاده نموده تا حدودی پیچیده به نظر می‌رسد.

۴. پاراگراف دوم ضمیمه توصیه نامه ۸۴۸ شورای اروپا مورخ ۱۹۷۸.

5. Cultural Goods.

6. European Convention on the Protection of the Archaeological Heritage (revised) (1992).

۱. بند «ه» ماده ۱.

۲. بند «و» ماده ۱ ضمیمه دوم کنوانسیون.

۳. بند «ب» ماده ۲.

می‌شود ممکن است از لحاظ اطلاعات باستان‌شناختی چندان منبع ارزشمندی تلقی نگردد، اما برعکس زمانی که همان شیء در بستر خود قرار داشته یا ثبت گردد، می‌تواند به مراتب واجد اطلاعات بیشتری برای باستان‌شناسان باشد. در خصوص عبارت «سایر نشانه‌های بشریت» این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌تواند دربرگیرنده «ویژگی‌های جغرافیایی مهم» باشد؟ متأسفانه در گزارش تفسیری این کنوانسیون به‌صراحت به این موضوع پرداخته نشده است. اما در مجموع دلیلی ندارد که تردید داشته باشیم که این عبارت می‌تواند در برگیرنده ویژگی‌های جغرافیایی مهم باشد، حداقل تا آن اندازه که شاهدهی بر وجود انسان بوده است. برای مثال می‌توان از گودالی نام برد که در قسمتی از سطح زمینی که پیش از تاریخ غرق شده، یافت شده است. این گودال می‌تواند حاوی شواهد و نشانه‌هایی باشد که نشان می‌دهند زمانی از آن به عنوان یک بخاری یا اجاق هیومی استفاده شده است. در چنین مواردی، به‌نظر می‌رسد که نه تنها مواد نیم‌سوز در گودال مانند سنگ‌های چخماق، بلکه چنین گودالی به خودی خود، چه توسط انسان حفر شده و چه به‌صورت یک ویژگی طبیعی باشد، ذیل این تعریف قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر مهم این است که نشانه‌ای از زندگی بشریت در گذشته به‌همراه خود داشته باشد.

کنوانسیون والتا برخلاف پیش‌نویس کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۵ از معیار زمانی در تعریف میراث فرهنگی استفاده نکرد و تنها به‌ذکر این نکته بسنده نموده که این میراث بایستی مربوط به «دوران‌های گذشته» باشد. اگرچه از لحاظ فنی به‌نظر می‌رسد در عمل بسیاری از باستان‌شناسان فعلی ترجیح می‌دهند به جای اینکه زمان را به دوره‌های متمایز تقسیم نمایند، آن را به صورت پیوسته و مستمر در نظر گیرند. در این حالت معیاری که احتمال دارد دارای تأثیر بیشتری بر تصمیمات اتخاذی آنان در مورد اینکه چه اقلامی بایستی در تعریف «میراث فرهنگی» گنجانده شوند، این است که آیا حفظ و مطالعه بقایای مربوطه، به مطالعه و

در ماده ۱ آنچه را که «عناصر»^۱ این میراث خوانده شده، این‌گونه تعریف می‌کند: «همه اشیاء و بقایا و سایر نشانه‌های بشریت مربوط به دوران‌های گذشته». بند ۳ ماده ۱ نیز به تشریح مواردی می‌پردازد که مشمول این تعریف می‌شوند: «سازه‌ها، بناها، مجموعه‌های ساختمانی، محوطه‌های آبادشده باستانی،^۲ اشیاء منقول، آثار تاریخی از انواع دیگر و نیز محیط‌های پیرامونی‌شان، چه در روی زمین قرار داشته باشند و چه در زیر آب». این عناصر از میراث باستانی برای آن که مشمول رژیم حفاظتی این کنوانسیون واقع گردند، بایستی دارای شرایطی باشند. این شرایط مبین این واقعیت هستند که عناصر مربوطه بایستی دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی باشند:

اول. این عناصر بایستی مربوط به «دوران‌های گذشته» باشند؛

دوم. حفظ و مطالعه آن‌ها باید «به مطالعه و بررسی تاریخ بشریت و ارتباط آن با محیط طبیعی کمک نماید؛ سوم. منابع اصلی اطلاعات در مورد آن‌ها باید حفاری‌ها یا اکتشاف‌ها و روش‌های دیگر تحقیق باشند.^۳

دو نکته مهم در تعریف یادشده وجود دارد که شایان توجه است. نخست آن‌که بقایا یا نشانه‌های زندگی بشری به اندازه اشیاء مهم هستند. به عنوان مثال ردپاهای انسان‌های قدیمی که در گل‌ولای باقی‌مانده، می‌تواند دربردارنده اطلاعات بسیار و ارزشمندی در مورد روش زندگی اجداد ما قبل تاریخ ما باشد. دوم آن‌که محیط پیرامونی که اشیاء یا سایر اقلام باستان‌شناسی در آن یافت می‌شوند به اندازه خود شیء یافت‌شده مهم هستند. محیط پیرامونی ممکن است به‌صورت طبیعی یا ساخته دست بشر بوده و یا ترکیبی از هر دو باشد. طبق مفاد کنوانسیون، محیط پیرامونی به‌خودی خود واجد ارزش و اهمیت است. این اهمیت نه تنها به‌خاطر اطلاعات حاصل از زندگی بشر بلکه به واسطه اطلاعاتی است که از ارتباط میان انسان و محیط طبیعی آن بدست می‌دهد. یک شیء تاریخی یا باستانی که از محیط پیرامونی خود جدا

۳. بند ۲ ماده ۱.

1. Elements.
2. Developed Sites.

گذشته در برخی اسناد به جای واژه «میراث» از واژه «اموال» برای توصیف بقایای دارای ماهیت تاریخی و باستان شناختی به طور کلی و یا بقایای باستانی و تاریخی زیر آب استفاده شده است. برای همین این سوال مطرح می‌گردد که کدام اصطلاح برای توصیف بقایای تاریخی و باستانی مناسب‌تر است؟ برخی نویسندگان عبارت «اموال فرهنگی» را روشن‌تر از عبارت «میراث فرهنگی» دانسته و بر این باورند که هر دو عبارت باید مکمل یکدیگر قرار گیرند. اما نویسندگان دیگر ضمن مخالفت با این عقیده، معتقدند که اصطلاح «اموال فرهنگی» نباید قرینه اصطلاح «میراث فرهنگی» پنداشته شود. (Frigo, 2004: 377) نویسندگانی که طرفدار اصطلاح «میراث فرهنگی» هستند، این اصطلاح را نه تنها دربرگیرنده حقوق مالکیت می‌دانند بلکه شامل الزام به حفاظت و حراست از آن نیز می‌پندارند.

با وجود اینکه این اصطلاحات در بسیاری از اسناد بین‌المللی ذکر شده‌اند، اما تعریف واحدی از آن‌ها صورت نگرفته است و هر سندی بنا به اهداف و مقاصد خود مبادرت به تعریف آن‌ها نموده است.^۲ اصطلاح «میراث فرهنگی» تأکیدی است بر پیوند و علقه احساسی میان اشیاء خاص و مردمان منشاء آنهاست، (Roussin, 2009: 55) در حالی که اموال فرهنگی بر جنبه مالکیت و این حقیقت که اشیاء فرهنگی کالاهای مادی هستند که می‌توانند همچون دیگر کالاها مورد تجارت و داد و ستد قرار گیرند، تأکید می‌کند. (Woodhead, 2011: 56) در هر صورت به نظر می‌رسد که اصطلاح «میراث فرهنگی» دامنه وسیع‌تری از «اموال فرهنگی» داشته و شامل مواردی نظیر «فولکلور» نیز می‌گردد. اما مفهوم «اموال فرهنگی» نمی‌تواند عناصر ناملموس فرهنگی را که امروزه و بعد از تصویب کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو توجه خاصی بدان مبذول گشته، تحت پوشش قرار داده و لذا صرفاً در برگیرنده بخش مادی میراث فرهنگی است، هرچند گستره آن فراتر از آن است که صرفاً شامل

بررسی تاریخ زندگانی بشر و ارتباط آن با محیط طبیعی، کمک می‌کند یا خیر.

۳- تلفیق معیارهای زمانی و ماهیتی

۳-۱- پیش‌نویس کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۵ در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب^۱

در ۱۹۷۹ کمیته وزیران شورای اروپا تصمیم گرفت که توصیه مجمع پارلمانی مبنی بر تهیه کنوانسیون اروپایی در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب را جامعه عمل ببوشاند. اما در نهایت پیش‌نویس به دلیل عدم توافق بر سر مسئله حساس و اختلاف برانگیز گستره صلاحیت دولت‌ها، با مخالفت دولت ترکیه همراه شد و مورد تأیید کمیته وزیران قرار نگرفت.

تعریف ارائه شده در این پیش‌نویس با توجه به ماهیت الزام آور بودن آن، تا حدودی از تعریف مندرج در توصیه‌نامه ۸۴۸ شورای اروپا متفاوت است. ماده یک پیش‌نویس در این زمینه مقرر داشته است:

«۱. برای اهداف این کنوانسیون همه بقایا و اشیاء و هرگونه نشانه دیگر زندگی انسانی که به‌طور کامل یا بخشی از آن در دریا، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، کانال‌ها، مخازن مصنوعی یا دیگر آب‌ها و یا در مناطق جزر و مدی یا دیگر مناطقی که گهگاه به زیر آب می‌روند، قرار داشته است، یا از چنین محیط‌هایی بازبایی شده و یا به‌ساحل آورده شده، باید به عنوان بخشی از میراث فرهنگی زیر آب شناخته شوند و از این پس به‌عنوان «اموال فرهنگی زیر آب» نامیده می‌شوند.
۲. اموال فرهنگی زیر آب که حداقل ۱۰۰ سال قدمت دارند، باید از حفاظت‌های ارائه‌شده در این کنوانسیون برخوردار شوند. با این وجود هر دولت متعاهدی ممکن است مقرر نماید اموالی که کمتر از ۱۰۰ سال قدمت دارند، از حفاظت مشابهی برخوردار گردند».

نخستین موضوعی که در ماده ۱ این پیش‌نویس جلب توجه می‌کند استفاده از عبارت «اموال فرهنگی» است. در

Blake, Janet Elizabeth "On Defining Cultural Heritage", (2000) *The International and Comparative Law Quarterly*, vol. 49, no. 1, pp. 61-85.

1. Draft European Convention on the Protection of Underwater Cultural Heritage (1985).

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع کنید به:

وجود دارد، تعریف ارائه شده در کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو بر پایه تعریف‌های مندرج در این معاهدات بی‌ریزی شده است. البته سهم بزرگی که پیش‌نویس انجمن حقوق بین‌الملل در شکل‌گیری این تعریف داشته را نیز نباید فراموش کرد:

«از نظر این کنوانسیون:

۱. الف. «میراث فرهنگی زیر آب» به تمامی نشانه‌های زندگی بشری اطلاق می‌شود که دارای ماهیت فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناختی بوده و به‌صورت دوره‌ای یا دائمی، حداقل صد سال، تمام یا بخشی از آن‌ها در زیر آب وجود داشته باشند، از قبیل:

(۱) محل‌ها، سازه‌ها، بناها، مصنوعات بشری و بقایای انسانی، به‌همراه محیط پیرامونی باستان‌شناختی و طبیعی آن‌ها؛

(۲) کشتی‌ها، هواپیماها، دیگر وسایل نقلیه یا بخشی از آن‌ها، محموله یا محتوای آن‌ها به‌همراه محیط پیرامونی طبیعی و باستان‌شناختی آن‌ها؛

(۳) اشیائی با ماهیت ماقبل تاریخ.»

در تعریف یادشده برای آنکه پوشش گسترده‌تری برای اقلام مورد حمایت فراهم گردد از عبارت «به‌صورت دوره‌ای یا دائمی، حداقل صد سال، تمام یا بخشی از آنها در زیر آب وجود داشته باشند» استفاده شده است. این عبارت می‌تواند دربرگیرنده اشیاء تاریخی و باستانی یافت شده در مناطق ساحلی و جزر و مدی باشد. همچنین به‌نظر می‌رسد در این زمینه تأثیر «تغییرات اقلیمی»^۲ بر سطح آب دریا هم مورد توجه تدوین‌کنندگان بوده است. از سوی دیگر با آنکه کنوانسیون مربوطه برای اعمال بر مناطق دریایی تدوین شده اما با توجه به‌خواست برخی دولت‌ها امکان اعمال آن بر آب‌های داخلی نیز فراهم شده است: «هر دولت یا سرزمین می‌تواند هنگام تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق به این کنوانسیون یا هر زمان پس از آن اظهار نماید که «قواعد» در

اشیاء منقول که ممکن است مورد تجارت یا قاچاق قرار گیرند، باشد. (Blake, 2015: 7)

«بنابراین «میراث فرهنگی»، «اموال فرهنگی» را نیز شامل می‌شود و اموال فرهنگی بخشی از میراث فرهنگی‌اند. اما همه میراث فرهنگی بویژه میراث ناملموس و غیرمادی، اموال فرهنگی نیستند.» (جمالی، ۱۳۹۰: ۲۱۹) با وجود اینکه یونسکو دائماً از اصطلاح اموال فرهنگی برای اشاره به اشیاء فرهنگی استفاده می‌کند و در موارد دیگر هم این اصطلاحات اساساً به‌صورت مترادف استفاده می‌شوند، (اما) امروزه اصطلاح «میراث فرهنگی» به‌طور گسترده‌ای غالب شده است.^۱ (Nafziger, 2014: 12)

عبارت «همه بقایا و اشیاء و هرگونه نشانه دیگر زندگی انسان» نه تنها نشان‌دهنده شمول بالای این مقرر و در نتیجه پیش‌نویس کنوانسیون است، بلکه مبین این واقعیت است که پیش‌نویس مربوطه از بقایایی که ساخته دست بشر نبوده ولی در هر صورت نشانه زندگی وی هستند، هم محافظت می‌کند. از جمله چنین بقایای انسانی می‌توان به استخوان‌های حیوانات ذبح‌شده، مواد طبیعی که توسط انسان استفاده‌شده یا از آن متأثر گشته‌اند نظیر دانه‌ها و بذره‌های ناشی از کشت‌وزرع گیاهان که نگهداری شده‌اند، اشاره نمود. با این حال برخلاف توصیه‌نامه ۸۴۸ شورای اروپا، پیش‌نویس مزبور بدون دلیل خاصی، معیار زمانی صدساله را بر اساس قدمت اشیاء مورد حمایت و نه مدت زمان زیر آب بودن مبنا قرار داده است. همچنین دولت‌های عضو مختارند که اشیایی با قدمت کمتر را نیز تحت پوشش مقررات حفاظتی پیش‌نویس قرار دهند ولی برخلاف توصیه‌نامه نمی‌توانند اشیاء دارای بیش از ۱۰۰ سال را از پوشش حفاظتی پیش‌نویس خارج سازند.

۲-۳- کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو

علیرغم اختلافاتی که میان کنوانسیون والتا و کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۵ در خصوص تعریف میراث فرهنگی زیر آب

۱. این موضع از منظر میراث فرهنگی زیر آب نیز مفید خواهد بود مخصوصاً با توجه به دیدگاه منفی نسبت به هرگونه بهره‌برداری تجاری

از میراث مربوطه و با عنایت به موضع غیرتجاری سازی کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو.

2. Climate Change.

مورد آن دسته از آب‌های داخلی که دارای مشخصه دریایی نیستند، اعمال خواهند شد»^۱.

جهت اطمینان از اینکه هیچ شک و تردیدی وجود نداشته باشد که همه انواع محوطه‌های تاریخی، اشیاء منقول و غیرمنقول، بقایای انسانی و همچنین محیط‌های پیرامونی طبیعی و باستان‌شناختی‌شان مشمول تعریف ذکر شده خواهند بود، همچون کنوانسیون والتا یک فهرست غیرحصری از اقلام تحت پوشش ارائه شده است. در این فهرست دو مورد جلب توجه می‌کند: اول اشاره صریح به هواپیما است که برای نخستین بار صورت گرفته است. به نظر می‌رسد که در آثار مربوط به میراث فرهنگی زیر آب در خصوص هواپیماهای غرق شده تا حدود زیادی غفلت صورت گرفته است. از زمانی که اولین هواپیمای موتوری در سال ۱۹۰۳ توسط برادران رایت به پرواز در آمده، هزاران هواپیمای نظامی و غیرنظامی در آب‌های دریا از میان رفته اند. امروز ارزش لاشه هواپیماهای غرق شده از منظر تاریخی و باستان‌شناختی به‌طور گسترده به رسمیت شناخته شده است. ارزش‌های تاریخی و باستان‌شناختی آنها گاه به دلیل ارتباطشان با فرد یا رویدادی خاص بوده و گاهی هم به‌واسطه آنکه نوع نادری از هواپیماهای دوران خود بوده اند، مورد توجه قرار گرفته اند. در این زمینه هواپیماهای غرق شده در طول جنگ‌های جهانی اول و دوم می‌توانند مثال خوبی باشند.^۲

مورد بعدی گنجاندن «اشیاء ماقبل تاریخ» در این فهرست است. بنابراین اشیایی که قدمت آنها به ماقبل تاریخ باز می‌گردد هم می‌توانند به‌عنوان «نشانه‌ای از زندگی انسانی» باشند. منتهای مراتب، همچون کنوانسیون والتا در خصوص کنوانسیون یونسکو نیز این امر صادق خواهد بود که این اشیاء به خودی خود نمی‌توانند به‌عنوان میراث فرهنگی زیر آب منطبق با آنچه که در شق الف بند ۱ تعریف شده،

محسوب گردند، بلکه بایستی نشانه یا ردی از زندگی بشر در ماقبل تاریخ به‌همراه داشته یا اینکه بخشی از محیط پیرامونی این نشانه‌ها باشند. بنابراین مواد طبیعی مانند رسوبات، بقایای گیاهان و جانوران و گیاهان فسیل شده از دوران ماقبل تاریخ، تنها تا حدودی پوشش داده می‌شوند که به طور مستقیم شاهدهی دال بر وجود زندگی انسان باشند. «در طول مذاکرات یونسکو تعدادی از دولت‌ها امکان درج چشم اندازه‌های ماقبل تاریخ یا در واقع محوطه‌های طبیعی به‌طور کلی، در تعریف میراث فرهنگی زیر آب را مطرح نمودند، اما به‌نظر می‌رسد این پیشنهادات توسط دولت‌های دیگر دنبال نشد، زیرا نظام حفاظتی مقرر در کنوانسیون لزوماً حفاظت مناسبی برای چنین مناطقی ارائه نمی‌نماید»^۳.

۱-۲-۳- معیارهای گزینشی

تعریف مندرج در بند ۱ ماده کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در بردارنده دو معیار گزینشی است. یک معیار بر اساس سنجش عینی در پی آن است که دریابد آیا بقایای تاریخی و باستانی یافت‌شده در بستر دریا حداقل ۱۰۰ سال در زیر آب بوده‌اند؟ و در سوی دیگر معیار ذهنی یا ماهیتی به دنبال آن است که تعیین نماید آیا اشیاء پیداشده دارای «ماهیت فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناختی» هستند؟

۱-۱-۲-۳- معیار زمانی

یکی از محدودیت‌های کلی که در تعریف فوق وجود دارد، همانا محدودیت زمانی بالغ بر ۱۰۰ سال است که متعاقب بحث‌های سخت و جدی در مذاکرات یونسکو به ماده ۱ افزوده شد. (Garabello, 2003: 105) بدین معنی که اشیاء مورد حمایت آن دسته از اشیائی خواهند بود که تمام یا بخشی از آنها حداقل ۱۰۰ سال در زیر آب بوده باشند. همچنان که مشاهده شد این قید زمانی در توصیه نامه ۸۴۸ شورای اروپا، پیش‌نویس کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۵ و پیش‌نویس ۱۹۹۴ انجمن حقوق بین‌الملل و ۱۹۹۸

3. See Explanatory Comments on Art. 1 of the 1998 UNESCO/DOALOS Draft in UNESCO Doc. CLT-96/Conf.202/2, April 1998.

۱. ماده ۲۸.

۲. هر چند که با توجه به معیار زمانی ۱۰۰ ساله در کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو هواپیماهای جنگ جهانی دوم مشمول تعریف میراث فرهنگی زیر آب نخواهند بود.

است. این قید یادآور مواد ۱۴۹ و ۳۰۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ است که تدوین‌کنندگان پیش‌نویس‌های ۱۹۹۴ انجمن حقوق بین‌الملل و ۱۹۹۸ یونسکو/دوآلوس در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب با هوشمندی از کاربرد مجدد آن پرهیز نمودند، اما در مذاکرات یونسکو با پافشاری برخی دولت‌ها نظیر انگلستان و ایالات متحده در آخرین مراحل مذاکره به متن پیش‌نویس اضافه شد. (Garabello, 2003: 106-109) در طول جلسات کارشناسان در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ پیشنهادهایی از سوی ایالات متحده و انگلستان مطرح شد مبنی بر آنکه باید قیدی وجود داشته باشد که بر اساس آن میراث فرهنگی زیر آب پیش از آنکه ذیل مقررات این کنوانسیون قرار گیرد، «مهم» تلقی گردد. پرتغال، آرژانتین، یونان و کلمبیا به شدت مخالف درج هرگونه «قید مربوط به اهمیت» در کنوانسیون بودند، چرا که اعتقاد داشتند چگونگی تشخیص ارزش باستان‌شناختی یک شیء پیش از انتقال آن جهت مطالعه و بررسی روشن نیست. اول باید اکتشاف صورت بگیرد تا بعد از آن ارزش و اهمیت تاریخی یا باستان‌شناختی یک مکان یا شیء ارزیابی گردد. این موضوع با توجه به اختلاف نظر دولت‌ها به یکی از مواردی تبدیل شد که حتی اجماع کلی در خصوص کنوانسیون را نیز تهدید نمود.

به‌طور کلی در این زمینه دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول مربوط به دولت‌های کاملاً است که بیشتر متمایل به اتخاذ یک «سازوکار گزینشی» برای حفاظت از میراث فرهنگی هستند. در مقابل دولت‌های دارای نظام‌های حقوقی رومی‌ژرمنی به‌دنبال اتخاذ سازوکاری جهت «پوشش فراگیر» اقلام دارای قدمتی خاص یا اشیایی که «آثار تاریخی یا باستانی» فرض می‌شوند، هستند. در حال حاضر سازوکار دولت‌های اخیر جهت حفاظت یکپارچه اشیاء تاریخی و باستانی در سطح بین‌المللی با اقبال بیشتری روبروست و حتی توسط برخی از دولت‌های کاملاً نظیر استرالیا هم مورد اقتباس قرار گرفته است. مزیت سازوکار «پوشش فراگیر» آن است که امکان تحت پوشش قراردادن

یونسکو/دوآلوس نیز به چشم می‌خورد. «قید زمانی ۱۰۰ سال در بیشتر قوانین دولت‌ها در رابطه با حفاظت از میراث فرهنگی نیز وجود داشته است و اتخاذ آن در کنوانسیون ۲۰۰۱ در راستای سازگاری با همین قوانین بوده است.» (O'Keefe, 2002: 42) قید زمانی ۱۰۰ ساله از دو منظر مناسب و بجا تلقی می‌گردد: نخست آنکه این قید مانع از آن می‌گردد که به‌عنوان مثال مالک کشتی غرق شده بدون کسب اجازه مقامات صلاحیت‌دار مبادرت به اتخاذ اقدامات نجات‌ناپذیر و دیگر آنکه این قاعده مرز و در حقیقت حوزه اعمال قوانین میراث فرهنگی و قانون نجات دریایی را روشن می‌نماید. البته لازم به ذکر است که در متن پیش‌نویس اولیه همچون پیش‌نویس کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۵، امکان حفاظت از اشیاء کمتر از صد سال قدمت از سوی دولت‌های عضو پیش‌بینی شده بود: «علیرغم بند الف ماده ۱، یک دولت عضو ممکن است تصمیم بگیرد نشانه‌های خاصی از زندگی انسانی، اگرچه کمتر از ۱۰۰ سال در زیر آب بوده باشند، میراث فرهنگی زیر آب را تشکیل دهند.» این مقرره می‌توانست راهی برای حفاظت از میراثی که کمتر از ۱۰۰ سال قدمت داشته اما از لحاظ تاریخی یا باستان‌شناختی مهم ارزیابی می‌شوند،^۱ بگشاید. اما متأسفانه این امکان در نهایت با مخالفت شماری از دولت‌ها به‌خصوص ژاپن از متن نهایی حذف شد. علت حذف این مورد به علت نگرانی در خصوص اعمال احتمالی کنوانسیون بر ناوگان نظامی بوده که به‌تازگی غرق شده‌اند. (Garabello, 2004: 105) با حذف این مقرره از پیش‌نویس عملاً امکان حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی زیر آب که کمتر از ۱۰۰ سال قدمت دارند، طبق مقررات کنوانسیون ۲۰۰۱ از میان رفت. همچنین برخلاف توصیه‌نامه ۸۴۸ شورای اروپا طبق مقررات کنوانسیون یونسکو امکان حذف اختیاری اشیایی که بیش از ۱۰۰ سال در زیر آب بوده‌اند، از شمول مقررات آن، برای دولت‌ها وجود ندارد.

۲-۱-۲-۳- معیار ماهیتی

تعریف یادشده با قیدی دیگر نیز محدود شده و آن «بهره‌مندی از ماهیت فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناختی»

۱. نظیر آثار به جا مانده از جنگ جهانی دوم.

باشد^۱ و نه امکان‌پذیر است و نه تمایلی وجود دارد که حفاظت قانونی نسبت به همه آنان گسترش یابد. انگلستان بر این باور است که بهتر است تلاش و منابع خود را برای حفاظت از نمونه‌های مهم و منحصر به فرد میراث فرهنگی زیر آب متمرکز نماید. اجرای قواعد مندرج در ضمیمه در خصوص هر یک از هزاران محوطه باستانی مربوط به لاشه کشتی‌ها کاملاً غیرممکن است» (Camarda & Scovazzi, 2002: 432-433) روشن است که در نظر این دولت معیار ماهیتی، محدودیتی به دامنه اشیاء مورد حمایت کنوانسیون وارد نمی‌کند. بنابراین با توجه به تعداد بی‌شمار لاشه کشتی‌هایی که بیش از ۱۰۰ سال در بستر دریای سرزمینی انگلستان بوده‌اند، نگرانی اصلی این دولت در خصوص تأمین مالی هزینه‌های ناشی از اجرای وظیفه مندرج در بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون بوده است که بر اساس آن دولت‌های عضو ملزم هستند که اطمینان حاصل کنند فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب در دریای سرزمینی‌شان بر اساس قواعد مندرج در ضمیمه انجام می‌گیرد.

۲-۲-۳- کابل‌ها، لوله‌ها و سایر تأسیسات

قسمت ب بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون در این خصوص اشعار داشته: «لوله‌ها و کابل‌های موجود در بستر دریا به‌عنوان میراث فرهنگی زیر آب تلقی نخواهد شد». علت اینکه کابل‌ها و لوله‌ها به‌طور خاص از تعریف میراث فرهنگی زیر آب خارج مانده‌اند روشن نیست و هیچ‌گاه علت این امر به صراحت در مذاکرات مورد اشاره قرار نگرفت. (O'Keefe, 2002: 45) البته کابل‌ها و لوله‌ها تنها بخشی از تأسیساتی هستند که در بستر دریا جای گرفته‌اند. تأسیساتی بسیار دیگری نیز هستند که به‌علل مختلف در زیر آب وجود دارند از جمله جهت اهداف نظامی، اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی و همچنین تحقیقات علمی دریایی. به همین علت قسمت پ بند ۱ ماده ۱ در خصوص این تأسیسات مقرر می‌کند: «تأسیسات دیگری به غیر از لوله‌ها و کابل‌های

محوطه‌های باستانی با کمترین مداخله را فراهم می‌نماید، در حالی که اعمال «سازوکار گزینشی» مستلزم دخالت‌های به‌مراتب گسترده‌تر و طولانی‌تر جهت ارزیابی اهمیت باستان‌شناختی یا تاریخی محوطه مربوطه پیش از اعطای پوشش حفاظتی به آنهاست. در نهایت برای آنکه اجماع میان دولت‌ها به خطر نیفتد هر دو معیار در تعریف میراث فرهنگی زیر آب اتخاذ گردید و این سوال را مطرح نمود که آیا دولت‌ها می‌توانند اشیایی را که بیش از ۱۰۰ سال در زیر آب بوده‌اند، به بهانه عدم بهره‌مندی از ماهیت تاریخی، فرهنگی یا باستان‌شناختی از شمول مقررات کنوانسیون خارج نمایند؟ در پاسخ باید گفت که یک شیء ممکن است دارای اهمیت یا منفعت باستان‌شناختی باشد، اما هیچ شیئی دارای ماهیت باستان‌شناختی نیست. نمی‌توان هیچ چیز را به‌طور عینی یافت که «تاریخی» یا «فرهنگی» باشد. در واقع همه نشانه‌های زندگی بشری که بیش از ۱۰۰ سال قدمت داشته باشند دارای مشخصه تاریخی یا باستان‌شناختی نیز هستند. لذا درج چنین قیدی در واقع بی‌معنی است و نه چیزی به دامنه تعریف فوق اضافه می‌کند و نه از آن می‌کاهد. (O'Keefe, 2002: 21-22) بنابراین به‌نظر نمی‌رسد که دولت‌ها بتوانند بر اساس صلاحدید خود اشیایی را که بیش از ۱۰۰ سال در زیر آب بوده‌اند را از رژیم حفاظتی مندرج در کنوانسیون محروم نمایند. بیانیه دولت انگلستان (به عنوان یکی از موافقان سرسخت درج معیار ماهیتی در کنوانسیون یونسکو) در پایان مذاکرات و در مقام تشریح دلایل عدم رأی به پیش‌نویس کنوانسیون، به روشنی استنتاج بالا را تأیید می‌نماید: «متن (پیش‌نویس) دولت‌های امضاءکننده را ملزم می‌نماید تا استانداردهای بسیار بالای حفاظتی را به‌طور یکسان به تمام اشیاء باستانی زیر آب دارای ۱۰۰ سال قدمت گسترش دهند. تخمین زده شده که احتمالاً حدود ۱۰۰۰۰ محوطه باستانی مربوط به لاشه کشتی‌ها در بستر دریای سرزمینی انگلستان وجود داشته

۱. در بیانیه پیشین یکی از نمایندگان انگلستان در این مذاکرات، تعداد این محوطه‌های باستانی حدود «نیم میلیون» تخمین زده شده بوده است. (Garaballo, 2003:108)

مسلح می‌باشند». همچنان که مشاهده می‌گردد، در این تعریف سه عنصر وجود دارد:

نخست آنکه کشتی جنگی باید علائم بیرونی مشخص کننده تابعیت با خود به همراه داشته باشد؛

دوم آنکه فرمانده کشتی باید طبق مقررات به‌مأموریت گماشته شده و نام آن در لیست خدمت نظامی دیده شود؛

سوم کشتی به وسیله خدمه‌ای اداره گردد که تابع نظام و مقررات نیروهای مسلح می‌باشند.

اما به غیر از کشتی‌های جنگی «کشتی‌ها و هواپیماهای دیگری که در هنگام غرق شدن در تملک یک دولت بوده یا توسط آن بهره‌برداری می‌شده یا تنها برای اهداف غیربازرگانی دولتی توسط آن دولت مورد استفاده قرار می‌گرفته است و به‌همان صورت شناسایی می‌شوند، نیز در دایره تعریف میراث فرهنگی زیر آب قرار می‌گیرند». این یک امر موضوعی است که باید با توجه به واقعیات زمان غرق شدن مسلم گردد. به بیانی دیگر از آنجایی که تعریفی از مفاهیمی نظیر «دولت» یا «اهداف غیرتجاری» ارائه نشده است، به‌نظر می‌رسد که این اصطلاحات را باید با توجه به شرایط و اوضاع احوال حاکم در زمان وقوع غرق شدن مورد بررسی قرار داد. در نهایت عبارت پایانی این بند «در دایره تعریف میراث فرهنگی زیر آب قرار می‌گیرند» حکایت از آن دارد که کشتی‌ها و هواپیماهای دولتی نیز باید دارای سایر شرایط مقرر در قسمت الف بند ۱ ماده ۱ نظیر ماندن در زیر آب حداقل به‌مدت ۱۰۰ سال را دارا باشند.^۲

نتیجه‌گیری

اگرچه کنوانسیون ۱۹۸۲ تعریفی از میراث فرهنگی زیر آب ارائه ننموده است، اما می‌توان گفت اصطلاح «اشیاء دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» در مواد ۱۴۹ و ۳۰۳ این کنوانسیون به‌طور تلویحی دربردارنده معیارهای زمانی و

موجود در بستر دریا که هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرند به‌عنوان میراث فرهنگی زیر آب محسوب نمی‌گردند». نکته‌ای مهمی که در خصوص وضعیت حقوقی این تأسیسات وجود دارد این است که برخلاف کابل‌ها و لوله‌ها تنها تأسیساتی که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرند از شمول مقررات کنوانسیون خارج گشته‌اند. به‌عبارت دیگر آن دسته از تأسیساتی که قبلاً در بستر دریا نصب شده و در حال حاضر از وضعیت خدمات‌دهی خارج شده‌اند، همچنان مشمول مقررات کنوانسیون حاضر خواهند بود. علت تفکیک میان کابل‌ها و لوله‌ها از یک‌سو و سایر تأسیسات از سوی دیگر و تفاوت در وضعیت حقوقی آنها از منظر کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو نیز روشن نیست و حقوقدانان و مفسران نتوانسته‌اند دلیل قاطعی برای این امر بیابند.^۱

۳-۲-۳- کشتی‌ها و هواپیماهای دولتی

در بند ۸ ماده ۱ مفهوم «کشتی‌ها و هواپیماهای دولتی» مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص ابتدا کشتی‌های جنگی به عنوان نوعی از کشتی‌های دولتی معرفی شده است. متأسفانه خود مفهوم «کشتی جنگی» در حقوق بین‌الملل عام تعریف نشده است. اما از آنجا که ماده ۳ کنوانسیون اشعار می‌دارد که مقررات کنوانسیون حاضر باید منطبق با مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای تفسیر گردد، می‌توان در این مورد به کنوانسیون مذکور مراجعه نمود، هر چند که این تعریف به زعم عده‌ای تنها دربرگیرنده ناوهای امروزی است. (O'Keefe, 2002: 42) ماده ۲۹ کنوانسیون مذکور در این خصوص مقرر می‌کند: «کشتی جنگی یعنی کشتی متعلق به نیروهای مسلح یک کشور که در بیرون آن علائم مشخص کننده تابعیت کشتی وجود دارد و تحت فرماندهی یک افسر دولت آن کشور است که نام وی در فهرست خدمت نظامی مربوطه و یا مشابه آن دیده می‌شود و کشتی به‌وسیله خدمه‌ای اداره می‌گردد که تابع نظام و مقررات نیروهای

حبیبی‌مجنده، محمد و عبدالمالکی، مهدی (۱۳۹۲). «وضعیت حقوقی کشتی‌های دولتی و جنگی غرق‌شده با نگاهی به کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی زیر آب»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، صص ۱۴۱-۱۱۵.

۱. البته با توجه به اینکه برخی از این کابل‌ها از جنس فلزاتی نظیر مس هستند، نمی‌توان از ارزش تجاری آنها به راحتی چشم‌پوشی کرد.

۲. برای مطالعه در خصوص وضعیت حقوقی کشتی‌های دولتی رجوع کنید به:

است. از رهگذر این مقررہ دولت‌های عضو می‌توانند مبادرت به موافقتنامه‌هایی نمایند «که موجبات حفاظت بهتر میراث فرهنگی زیر آب را نسبت به مقررات مندرج در این کنوانسیون فراهم نماید».

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

تعارض منافع

این مقاله پژوهشی مستقل است که بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است. در انجام مطالعه‌ی حاضر، نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته‌اند.

منابع

جمالی، حمیدرضا (۱۳۹۰). *میراث مشترک بشریت: مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین الملل، جلد دوم: اصول حاکم بر کاربرد میراث مشترک بشریت*، تهران: انتشارات فرهنگ شناسی.

حبیبی‌مجندہ، محمد و عبدالمالکی، مهدی (۱۳۹۲). «وضعیت حقوقی کشتی‌های دولتی و جنگی غرق‌شده با نگاهی به کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی زیر آب»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال پانزدهم، شماره ۴۱، ۱۱۵-۱۴۱.

ماهیتی مندرج در تعریف مقرر در ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو نیز هست. تعریف مزبور که از جامعیت نسبتاً خوبی برخوردار است، از دو جهت محدود شده است که مهم‌ترین آن همانا محدودیت زمانی ۱۰۰ ساله است. گرچه این تعریف با قید «ماهیت فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناختی» نیز محدود شد اما با توجه به تفسیرپذیر بودن قید اخیر، محدودیت چندانی به دامنه تعریف یادشده وارد نمی‌کند. بنابراین محدودیت اصلی همان معیار حداقل ۱۰۰ سال زیر آب بودن است. معیار اخیر باعث می‌شود طیف وسیعی از میراث فرهنگی زیر آب که معروف‌ترین آن‌ها مربوط به لاشه کشتی‌ها و هواپیماهای برجای مانده از جنگ جهانی دوم است، نتواند تحت شمول چتر حفاظتی این کنوانسیون قرار گیرد. این در حالی است که این اشیاء همچنان ذیل مواد ۱۴۹ و ۳۰۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ مشمول تدابیر حفاظتی مقرر در این کنوانسیون هستند.

اگر کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو از رویه پیش‌نویس کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۵ در مخیر نمودن دولت‌های متعاقد برای تحت پوشش قراردادن اشیایی که کمتر از ۱۰۰ سال در زیر آب بودند،^۱ بهره می‌برد، این نقصان تا حدود زیادی مرتفع می‌شد. اما با این حال طبق مقررات کنوانسیون هیچ مانعی برای دولت‌های متعاقد وجود ندارد که به صورت انفرادی و جمعی اشیاء یادشده را تحت پوشش مقررات کنوانسیون قرار دهند. انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی از سوی دولت‌های عضو، نه تنها از سوی کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو منع نشد بلکه در ماده ۶ مورد تشویق و ترغیب نیز قرار گرفته

۱. البته باید یادآور شد که معیاری که در پیش‌نویس مربوطه ذکر شده است «۱۰۰ سال قدمت» است، نه «۱۰۰ سال در زیر آب بودن».

References

- Blake, Janet E. (2000). "On Defining Cultural Heritage", *The International and Comparative Law Quarterly*, vol. 49, no. 1, pp. 61-85.
- Blake, Janet E. (2015). "*International Cultural Heritage Law (Cultural Heritage Law and Policy)*", Oxford University Press.
- Camarda, Guido and Scovazzi, Tullio (eds.) (2002). *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: Legal Aspects*, Milan: Giuffrè Editore.
- Convention on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership of Cultural Property (1970). Convention on the Protection of the Archaeological, Historical and Artistic Heritage of the American Nations (San Salvador Convention) (1976).
- Draft European Convention on the Protection of Underwater Cultural Heritage (1985).
- European Convention on the Protection of the Archaeological Heritage (revised) (1992).
- Frigo, Malnio (2004). "Cultural Property v. Cultural Heritage: A 'Battle of Concepts' in International Law? ", *International Review of the Red Cross*, vol. 86, no. 854, pp. 367-378.
- Garabello, Roberta (2003). "The Negotiating History of the Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage", in Roberta Garabello and Tullio Scovazzi (eds.), *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: Before and After the 2001 UNESCO Convention*, Leiden and Boston: Martinus Nijhoff Publishers, pp. 89-192.
- Garabello, Roberta (2004). "Sunken Warships in the Mediterranean: Reflections on Some Relevant Examples in State Practice Relating to the Mediterranean Sea", in Tullio Scovazzi (ed.), *La Protezione del Patrimonio Culturale Sottomarino nel Mare Mediterraneo*, Milan: Giuffrè Editore, pp. 171-201.
- Nafziger James A.R., Paterson, Robert Kirkwood, Renteln, Alison Dundes. (2014). "Cultural Law: International, Comparative, and Indigenous", Cambridge University Press.
- O'Keefe, Patrick J. (2002). *Shipwrecked Heritage: A Commentary on the UNESCO Convention on Underwater Cultural Heritage*, Institute of Art and Law.
- Oxman, Bernard H. (1981). "Third United Nations Conference on the Law of the Sea: The Ninth Session", *American Journal of International Law*, vol. 75, no. 2, pp. 211-256.
- Recommendation 848 of Parliamentary Assembly of the Council of Europe (1978).
- Roussin, Lucille A. (2009). "The Trade in Antiquities: Heritage For Sale?", *ILSA Journal of International & Comparative Law*, vol. 15, no. 2, 570 and Shyllon, Folarin "Cultural Heritage and Intellectual Property: Convergence, Divergence, and Interface", in Logan W, Craith MN, Kockel U (eds.), *A Companion to Heritage Studies*, Wiley-Blackwell, 1st Edition, 569-575.
- Strati, Anastasia (1995). *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: An Emerging Objective of the Contemporary Law of the Sea*, The Hague, Kulwer Law International.
- The ILA Draft Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage (1994).
- UNESCO Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage (2001).
- UNESCO Draft Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage (1998).
- United Nations Convention on the Law of the Sea (1982).
- Woodhead Charlotte (2011). "Cultural Heritage Principles and Interference with Property Rights", *Cambrian Law Rev*, vol. 42, 52-68.